

## نقش ولایی انسان کامل

فائزه گلستانی؛ طلبه سطح دو مدرسه علمیه الغدیر (خواهران) استان تهران نفر دوم جشنواره استانی علامه حلی (ره)

چکیده: ولایت از نظر لغوی به معنای دوستی، تصدی امر و صاحب اختیاری به کار می‌رود و در اصطلاح عرفانی عبارت است از قیام عبد به حق در مقام فنا از نفس خود. ولایت با حیثیت های مختلف تقسیماتی دارد که عبارتند از: ولایت تکوینی و تشریحی، ولایت عامه و خاصه، ولایت منفی و مثبت، ولایت بالذات و بالعرض، ولایت الهیه، بشریه و ملکیه، مطلقه و مقیده. تصرف به معنای دست در کاری زدن است. ولایت تصرف بالاترین مراحل ولایت است که مربوط به تصرفاتی است که در عالم طبیعت و نفوس انسانی صورت می‌گیرد. ولایت تصرف از شؤون انسان کامل است و شناختن انسان کامل بر مسلمین واجب است؛ زیرا حکم نمونه و الگو را دارد.

مقاله حاضر پس از تبیین موارد پیشگفته، ولایت تصرف را به عنوان بالاترین مراحل ولایت با توجه به دو مقوله عبودیت و قرب به اثبات رسانده است.

کلیدواژه

قرب، عبودیت، انسان کامل، ولایت تصرف.

مقدمه

بالاترین مراحل ولایت، ولایت تصرف یا ولایت تکوینی است. مسئله ولایت تصرف یا ولایت معنوی، نوعی اقتدار و تسلط فوقالعاده تکوینی است. نظریه ولایت تکوینی از یک طرف مربوط است به استعداد های نهفته در انسان و کمالاتی که این موجود شگفت، بالقوه دارد و قابل به فعلیت رسیدن است و از طرف دیگر مربوط است به رابطه این موجود با خدا. مقصود از ولایت تکوینی این است که انسان در اثر پیمودن صراط عبودیت به مقام قرب الهی نایل می‌گردد. اثر وصول به مقام قرب در مراحل عالی آن، این است که معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است، در وی متمرکز می‌شود و با داشتن آن معنویت، قافلهسالار معنویات و حجت زمان می‌شود. «زمین هیچگاه از ولی که حامل چنین معنویتی باشد و به عبارت دیگر از «انسان کامل» خالی نیست» (مطهری، 1368، ج 3: 284 و 285). ولایت به این معنا از مسائل عرفانی است که از دید تشیع یک مسئله اسلامی نیز هست و شیعه معتقد به ولایت تکوینی ائمه معصومین (ع) است.

در زمینه مسئله ولایت تصرف با این عنوان، مقاله، پژوهش و یا پایاننامه‌های در فهرست اطلاعات مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشور ثبت نشده است؛ اما در قسمت پایان‌نامه‌ها خانم شهلا یزدان‌پناه در مقطع کارشناسی ارشد، دانشجوی دانشکده الهیات و معارف اسلامی قم در سال 1381 پیرامون موضوع ولایت تکوینی، پژوهشی انجام داده‌اند و در قسمت مقاله سمینار، علامه حسن‌زاده آملی در کنگره بزرگداشت علامه طباطبایی (ره) آبان ماه سال 61 مقاله‌ای را با موضوع ولایت تکوینی ارائه داده‌اند.

مقاله حاضر با توجه به اهمیت بسزایی که اعتقاد به ولایت تکوینی در زندگی فردی و به تبع آن زندگی اجتماعی انسان دارد و همچنین علاقه‌مندی عده‌ای به طرح این موضوع به تبیین مسئله ولایت تصرف می‌پردازد. گردآوری منابع به شیوه کتابخانه‌ای بوده است. مسئله مورد بحث با محوریت نظرات استاد شهید مطهری مورد بررسی قرار گرفته و از محصولات اساتیدی چون علامه طباطبایی، آیتالله جوادی آملی، جلال آشتیانی و نیز لغتنامه و فرهنگ اصطلاحات عرفانی به عنوان منابع تحقیق استفاده شده است.

پیش‌فرضها:

- عبودیت در مسئله ولایت تکوینی مؤثر است.

- تقرب به ذات حق ممکن است.

- ائمه معصومین دارای ولایت تکوینی هستند.

### نقش ولایی انسان کامل از منظر دین و عرفان

ولایت در لغت به معنای قرار گرفتن شیئی در کنار شیئی دیگر است به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد؛ یعنی اگر دو شیئی چنان به هم متصل باشند که هیچ شیئی دیگری در میان آنها نباشد ماده «ولی» استعمال می‌شود؛ به همین مناسبت این کلمه در مورد قرب و نزدیکی به کار رفته است، اعم از قرب مکانی و قرب معنوی.

تصرف از ریشه «صرف» است و به معنای برگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر، یا تبدیل کردنش به غیر از خودش به کار می‌رود. (الراغب الاصفهانی، 1412ق، ماده ولی و صرف)

«بالاترین مراحل ولایت، ولایت تصرف یا ولایت تکوینی است. ولایت به این معنا از مسائل عرفانی‌ای است که از دید تشیع یک مسأله اسلامی نیز هست و شیعه معتقد به ولایت تکوینی ائمه معصومین (ع) است. ولایت تکوینی یعنی سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عینی داشتن در آنها.» (شهید مطهری، 1368، ج 3: 284 و 285)

ولایت عبارت است «از یک رابطه نزدیک بین ولی و مولی علیه که سبب و مجوزی است که ولی در امورات مولی علیه تصرف کند و سرپرستی و تدبیر امر او را بر عهده گیرد. ولایت در اصطلاح عرفا به طور خاص عبارت است از قیام عبد به حق در مقام فنا از نفس خود» (سجادی، «). (1375: 791) الولایه المال الاخیر الحقیقی الانسان و انها الغرض الاخیر من تشریع الشریعه الحقه الالهیه». (طباطبایی، 1381، 4) : یعنی ولایت آخرین درجه کمال انسان و آخرین منظور و مقصود از تشریع شریعت خداوندی است.

ولایت از نظر امام خمینی (ره) نیز به معنای قرب، محبوبیت، مربی بودن یا نیابت کردن است. ایشان همه این معانی را حق مسلم حقیقت خلیفه الهی می‌دانند. (امام خمینی، 1360، 74) :

## اقسام ولایت

در ابتدا لازم است به این نکته توجه شود که ولایت با حیثیت‌های مختلف، تقسیماتی گوناگون می‌یابد که عبارتند از:

الف- ولایت تکوینی و تشریحی

ولایت از جهت سرپرستی کردن بر موجودات عالم هستی و حکومت کردن بر آنها دارای دو قسم ولایت تکوینی و تشریحی است. ولایت تکوینی عبارت است از مسلط شدن بر جهان هستی» (همتی، 81: 1363 و «سرپرستی موجودات جهان» (جوادی آملی، 123: 1379 و «تدبیر امر آنها را به عهده گرفتن است.» (طباطبایی، 1370، ج 15: 6)

«ولایت تکوینی اصالتاً و بالذات از آن خداوند متعال است و بدین معناست که هر گونه تصرف و تدبیر در هر موجودی و هر رقمی برایش فراهم و میسر است.» (همان) «بعد از خداوند بالعرض از آن ماسوی الله است.» (همتی، 91: 1363 ولایت تکوینی ماسوی الله بدین معناست که انسان بر اثر بندگی خالصانه خداوند و رسیدن به بالاترین درجه اخلاص و یقین دارای مقامی می‌شود که به اذن پروردگار عالم می‌تواند در عالم هستی و دلهای مردم تصرفاتی داشته باشد» (بابازاده، 157: 1373 و «شاهد اعمال و باطن آنها شود.» (مطهری، 60: 1369 و تمامی عالم را تحت سیطره خود قرار دهد. البته درجات آن نسبت به انسان‌ها مختلف است. «هر چه میزان معرفت و عمل انسان بالاتر باشد، ولایت او بیشتر و کسانی که تحت سیطره او هستند بیشتر خواهند بود.» (بابازاده، 157: 1373 البته باید اشاره کرد که «ولایت تکوینی ماسوی الله در طول ولایت تکوینی خداوند است و به اذن خداوند در عالم هستی تصرف دارند.» (همتی، 1363: 91)

«ولایت تشریحی یعنی نوعی سرپرستی که نه ولایت تکوینی است و نه ولایت بر تشریح و قانون؛ بلکه ولایتی است در محدوده تشریح و تابع قانون الهی که خود بردو قسم است: یکی ولایت بر محجوران و دیگری ولایت بر جامعه خردمندان.» (جوادی آملی، 1379، 124): «ولایت تشریحی مربوط به رابطه تکوینی و علی و معلولی نیست، بلکه از امور اعتباری و قرار دادی است.» (همان)

ب- ولایت مطلقه و مقیده

با توجه به این که مساله ولاء تصرف از مسایل عرفانی است به اقسام ولایت از منظر عرفا نیز می‌پردازیم. ولایت، به اعتباری به ولایت مطلقه و مقیده و به اعتبار دیگر به ولایت عامه و خاصه نیز منقسم می‌گردد. انقسام آن به مطلقه و مقیده، و انصاف به اطلاق و تقیید به این اعتبار است:

«ولایت به اعتبار آن که صفتی از صفات الهیه است، مطلق است. باعتبار استناد به انبیا و اولیاء مقید می‌شود. هر مطلق ساری در مقید و مقوم مقید است. و هر مقیدی مقوم به مطلق است؛ چون مقید همان تنزل مطلق است. ولایت انبیاء و اولیاء از اجزاء و فروع و شعب ولایت مطلقه و نبوت آنها از جزئیات نبوت مطلقه است.» (آشتیانی، 866: 1370)

ج- ولایت عامه و خاصه

ولایت از آن جهت ولایت عامه است، که شامل جمیع اهل ایمان می‌شود و هر که ایمان آورده باشد و عمل صالح از او سر بزند، به مقتضای آیه:

«الله ولی الدین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» (بقره 257/ مصداق مفهوم کلی ولایت است. «مرتبه اعلاای ایمان، به کشف صحیح و شهود مطابق با واقع، مصداق پیدا می‌کند. مرتبه ی اوسط ایمان، حظ اهل برهان و نظر از حکمای الهی است. مرتبه ادنای آن، ایمانی است که از تقلید از اهل یقین حاصل می‌گردد. مثل ایمان عوام الناس.» (آشتیانی، 867: 1370)

«ولایت خاصه، اختصاص به اهل سلوک و شهود دارد، که به اعتبار فنای آنها در حق و بقاء به وجود حق مطلق به حسب علم شهود و حال سالک به این مقام می‌رسد.» (همان: 866 و 867)

د- ولایت منفی و مثبت و انواع آن

از نظر اسلام دو نوع ولاء وجود دارد: منفی و مثبت. یعنی از طرفی، مسلمانان ماموریت دارند که نوعی ولاء را نپذیرند و ترک کنند و از طرف دیگر دعوت شده‌اند که ولاء دیگری را دارا باشند و بدان اهتمام ورزند. «ولاء اثباتی (مثبت) اسلامی نیز به نوبه خود بر دو قسم است: ولاء عام و ولاء خاص. ولاء خاص نیز اقسامی دارد: ولاء محبت، ولاء امامت، ولاء زعامت، ولاء تصرف یا ولایت تکوینی.» (مطهری، 15: 1369 و 16)

قرآن کریم مسلمانان را از این که دوستی و سرپرستی غیر مسلمانان را بپذیرند سخت بر حذر داشته است؛ نه از باب این که دوست داشتن انسان‌های دیگر را بد بداند؛ بلکه از آن جهت که مسلمانان نباید از دشمن غافل شوند. (همان: 17 شاهد قرآنی این مطلب: «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء تلقون الیهم بالموده و قد فروا بما جائکم من الحق.» (ممتحنه، آیه 22) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من دشمن خودتان را به دوستی برگیرید. - به طوری - که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند.»

«اسلام خواسته است مسلمانان به صورت واحد مستقلی زندگی کنند؛ ایمان اساس دوستی و وداد و ولاء مومنان است.» (شهید مطهری: 25) قرآن کریم می‌فرماید: «و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (توبه، آیه 71) «مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.»

مومنان نزدیک به یکدیگرند و به موجب اینکه با یکدیگر نزدیک هستند، حامی و دوست و ناصر یکدیگرند. ولاء اثباتی خاص ولاء اهل بیت (ع) است. «انواع ولاء اثباتی خاص ولاء محبت یا ولاء قرابت، ولاء زعامت، ولاء امامت و ولاء تصرف می‌باشد.» (شهید مطهری، ص

«ولاء محبت یا ولاء قرابت به این معنی است که اهل بیت (س) ذویالقربای پیغمبر اکرم‌اند و مردم توصیه شده‌اند که نسبت به آنها به طور خاص، زائد بر آنچه ولاء اثباتی عام اقتضا می‌کند، محبت بورزند. ولاء محبت مقدمه و وسیله‌ای برای سایر ولاءها می‌باشد.» (همان: 38)

«ولاء امامت و پیشوایی و به عبارت دیگر مقام مرجعیت دینی، یعنی مقامی که دیگران باید از وی پیروی کنند و او را نمونه اعمال و رفتار خویش قرار دهند و دستورات دینی را از او بیاموزند چنین مقامی مستلزم عصمت است.» (همان: 46)

«ولاء زعامت یعنی حق رهبری اجتماعی و سیاسی. اجتماع نیازمند به رهبر است. آن کس که باید زمام امور اجتماع را به دست گیرد و شوون اجتماعی مردم را اداره کند و مسلط بر مقدرات مردم است، ولی امر مسلمین است.» (همان: 50) ولاء تصرف یا ولاء معنوی بالاترین مراحل ولایت است.» (همان: 56)

مقصود از ولایت تکوینی این است که انسان در اثر پیمودن صراط عبودیت به مقام قرب الهی نائل می‌گردد و اثر وصول به مقام قرب - البته در مراحل عالی آن - این است که معنویت انسانی که خود حقیقت و واقعیتی است، در وی متمرکز می‌شود و با داشتن آن معنویت، قافله سالار معنویات، مسلط بر ضماثر و شاهد بر اعمال و حجت زمان می‌شود. «زمین هیچگاه از ولی که حامل چنین معنویتی باشد و به عبارت دیگر از «انسان کامل» خالی نیست.» (مطهری، 1368، ج 3، ص 284 و 285) همانطور که امیرالمومنین (ع) نیز در حکمت 147 نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «لا تخلو الارض من قائم لله بحجه، اما ظاهرا مشهورا، و اما خائفا (حافیا) مغمورا، لثلا تبطل حجج الله و بیناته.»

ه- ولایت الهیه، بشریه، ملکیه

ولایت از حیثیت اقسام اولیاء بر سه قسم است: ولایت الهیه، ولایت بشریه و ولایت ملکیه. (ولایت خداوند، ولایت انسانی، ولایت فرشتگان) اگر چه دو مورد اخیر در واقع دو قسم ولایت الهیه‌اند و جز ولایت حق تعالی ولایتی نیست. (ابن عربی، 1994 م، ج 514: 14)

«ولایت الهیه از سویی نصرت بما سوی است» (همان: 511) و «از سوی دیگر تصدی تکوینی عالم وجود.» (همان: ولایت الهی مثل همه صفات الهی، عام التعلق است، یعنی در همه مخلوقاتش جاری است» (همان: «508 هر چند علاوه بر این ولایت عامه،» خداوند بر بعضی بندگانش ولایت خاصه نیز دارد». «الله ولی الذین امنوا» (همان)

«ولایت ملکیه نیز به معنای نصرت است. ملائک بر سه صنف هستند: ملائک مهیمه، ملائک مسخره، ملائک مدبره» (همان: 526)

و (530 این فرشتگان کارگزاران عرش الهی در اداره جهان هستند.

ولایت بشریه بر دو قسم است: ولایت عامه، ولایت خاصه.

«در اصطلاح عرفانی و در کلام اهل دل، روح قدسی افراد عالی انسان توجه به عالم ظاهر و باطن هر دو تواند داشت و تاثیرش از بدن خود به بدن عالم سرایت تواند کرد تا از وی کرامات و خارق عادات سرزند. به این تاثیر در اصطلاح عرفانی تصرف گویند.» (الهی قمشه‌ای، 1363، ج 121: 2)

## اقسام تصرف

کرامات و معجزات ناشی از ولایت تکوینی است. این نوع از ولایت، بالاترین مراحل ولایت است. ولایت تکوینی مربوط به تصرفاتی است که در عالم طبیعت و پدیده‌های گوناگون آن و همچنین نفوس انسانی با نیروی فوق طبیعی و خدادادی صورت می‌گیرد. معجزات و کارهای خارق‌العاده انبیاء خود از مصادیق بروز و ظهور ولایت تکوینی آنهاست.

«ابعاد ولایت تکوینی امامان، گوناگون است که صدور معجزات یکی از آن ابعاد است که در لسان متکلمین از آنها به کرامت تعبیر می‌کنند.» (علایی، بی تا: 1)

تصرفات ناشی از ولایت تکوینی دارای ابعاد زیر است:

الف: کرامت

به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بزرگی، بزرگواری، جوانمردی، بخشندگی است. در اصطلاح خارق عادت که به دست اولیاء انجام یابد، کرامت می‌نامند. معجزه از پیامبر صادر می‌گردد.

«فرق میان معجزه و کرامت این است که انبیا (ص) به اظهار معجزات خود مامورند؛ ولی باید کرامت خود را پنهان دارند و کرامات اولیا جز تادیب نفوس و تهذیب آنها نیست.» (سعیدی، 1383، ماده ولی)

ب: تاثیر بر دلها

جنبه دیگر از ولایت تکوینی، هدایت معنوی است که صاحب ولایت با استفاده از قدرت خود به این نوع از هدایت دست می‌زند. تردیدی نیست که مهمترین وظیفه و شأن شخصیت‌های آسمانی، همانا هدایت و رهبری معنوی انسانها است و هریک از برگزیدگان خداوند بر حسب مراتب و درجات معنوی خود بار این رسالت عظیم را به دوش کشیده‌اند. ولی نحوه این هدایت در همه آنها یکسان نبوده است، به طوری که ماهیت دعوی بسیاری از انبیاء تنها در راهنمایی بشر به سوی خیر و سعادت و رسانیدن پیام آسمانی به مردم خلاصه می‌شده است. البته هدایت الهی به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه دامنه آن علاوه بر جنبه راهنمایی و تبلیغ و آموزش به بعد دیگری هم کشیده میشود که همانا رهبری معنوی از راه تاثیر در دلها و جذب و کشش آنها به سمت کمالات است و در سایه همین رهبری باطنی است که استعدادهای عالی انسانی شکوفا شده، نیروهای خفته بیدار گشته و از طریق افاضات معنوی و جنبه‌های باطنی، هر فردی از انسانها به کمال مطلوب خود نائل می‌گردد. «بر حسب آنچه بعضی از بزرگان فرموده‌اند، تعبیر «هدایت به امر» که در آیاتی از قرآن کریم آمده است، اشاره به این مقام دارد.» (علایی بی تا: 2)

ج: اخبار غیبی

صاحب ولایت تکوینی به اخبار غیبی که از دسترس حواس دور است، آگاه است و به اذن الهی علم اول و آخر را می‌داند. هر چند این بخش از دانش غیبی مانند ابعاد دیگر ولایت تکوینی از درجات و مراتبی برخوردار است، اما مسلما منصوبین خدا و پیامبر از بالاترین

درجات در این زمینه برخوردارند.

حقایقی از جهان غیب از طریق الهام به قلب امام القا می‌شود و ندای منادیان باطنی را هر دم به گوش جان می‌شنود که او را با حقایق تازه‌های آشنا می‌سازند.

د: آگاهی از حقیقت اشیاء

ولایت تکوینی ابعاد دیگری نیز دارد که از آن جمله آگاهی به حقایق اشیاء، رویت ملکوت آسمانها و زمین، شاهد بر اعمال انسان‌ها، عرصه اعمال انسان‌ها در شب قدر، وساطت در فیض رسانی و غایت خلقت و دارا بودن علم الکتاب است. «امامان عموما و امام هادی (ع) خصوصا از همه ابعاد این نوع از ولایت برخوردار بودند که در کتب حدیث در خصوص هر یک از آنها روایاتی ثبت شده است.» (همان) «ولاء تصرف یا ولایت تکوینی بالاترین مراحل ولایت است که مربوط به تصرفاتی است که در عالم طبیعت و نفوس انسانی صورت می‌گیرد و دارای ابعادی چون ظهور معجزات و کارهای خارق العاده، تاثیر بر دلها، اطلاع از اخبار غیبی و... می‌باشد» (مطهری 1368، جلد 3: 28)

ولاء تصرف از شؤون انسان کامل است. انسان کامل نفس ناطقه جهان است و لذا جهان جز به وجود انسان کامل، کامل نمی‌گردد. شناختن انسان کامل بر مسلمین واجب است زیرا حکم مدل و الگو را دارد. انسان کامل مظهر جمیع اسما و صفات حقتعالی است، از این جهت، صراط آنها مستقیم است.

از دیدگاه قرآن ویژگی انسان کامل عبارتند از: پیروز از آزمایش‌های الهی (بقره، 124)، هادی مردم (انبیاء 73)، ساعی در اجرای فرامین الهی (همان)، موقن (سجده، 24)، و خویشتر دار (یوسف، 90) شجاع در ابراز توحید (ممتحنه، 4) و همدرد مظلومان (توبه، 128) و.. در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه نیز ویژگی‌هایی برای انسان کامل ذکر شده است.

از مقامات انسان کامل مقام خلافت است. در روایات زیادی تعبیر رهبان باللیل و لیوث بالنهار برای اصحاب حضرت حجت (عج) آمده است. «انسان کامل اسلام علاوه بر درونگرایی، برونگرا نیز هست.» (شهید مطهری، 1373: 101) در شب که به سراغشان بروی سراغ یک عده راهب رفته‌ای ولی در روز شیران نر هستند راهبان شب و شیران نر روز خود قرآن همه اینها را با هم جمع می‌کند، «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المومنین.» (همان)

انسان کامل حجت خدا و همان ولی الله است و به کمال نمی‌رسد مگر آنکه اسفار اربعه کمال را طی کرده باشد.

«انسان وقتی قدم در راه ولایت می‌گذارد، مقاماتی را به ترتیب طی می‌کند: مقام تجلی حق تعالی در قلب انسان» (امام خمینی، 1363، ص 239)، «مقام قرب نوافل و فرایض» (همان، 1370، ص 9)، «مقام واسطه ی فیض شدن» (همان، ص 180) و «مقام احاطه بر موجودات دیگر» (همان، ص 179)، «رسیدن به مقام کن» (ترمذی، 1965 م: 113) ولایت دارای درجات تلوین، تمکین و تکوین است (همان: 473).

اعتقاد به ولایت آثار تربیتی و اخلاقی گرانقدری را به دنبال دارد که عبارتند از

1- تقویت اراده و نفس

2- توجه بیشتر به عبادات

3- تسلط بر قوا و اعضا

4- دوری از گناه.

از نظر شهید مطهری ولایت تکوینی ارتباط مستقیمی به مقام عبودیت و مقام قرب دارد. عبودیت به معنای اظهار فروتنی و طاعت و فرمانبرداری از حق می‌باشد. بهترین عبادت، عبادت احرار است که عبادت حبی است. تقرب: خواستن و برابر نمودن، با چیزی است که نصیب و بهره‌ای را اقتضا کند، و در اصطلاح عرفان یعنی استغراق وجود سالک در عین جمع، به غیبت از جمیع صفات خود و انسان در اثر پیمودن صراط عبودیت به مقام قربی نائل می‌شود که خلیفه الله شده و به گوهری دست می‌یابد که نهایت سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عینی داشتن در آنها است. چنین اعتقادی هرگز مستلزم اختلال در نظام توحیدی نیست؛ زیرا تمامی تصرفات و اعمال خارق العاده به اذن خداوند است که صورت می‌گیرد. بدین ترتیب ولایت اولیاء در عرض ولایت خداوند قرار نگرفته؛ بلکه در طول آن است.

در آیات پیامبرانی چون حضرت مسیح، صالح و ابراهیم (ع) نمونه‌هایی از کسانی هستند که دارای ولاء تصرف بودند. ولایت تکوینی خاتم الانبیاء (ص) و اهل بیت (ع) نیز غیرقابل انکار است.

## نتیجه

با نظر به مطالب ارائه شده در این مقاله به خوبی نمایان میشود که انسان با چنان توانمندی آفریده شده است که می‌تواند مسیر صعودی تکامل را بدانجا برساند که بر روی همین زمین خاکی چنان فنای در حق شود که به همان مقام «کن» رسیده و بتواند در طبیعت و انسان‌های دیگر تصرف داشته باشد. ولاء تصرف یا همان ولایت تکوینی بالاترین مرحله ولایت است که ظهور معجزه، کرامات، تاثیر بر قلبها و اطلاع بر اخبار غیبی از ابعاد و شؤون آن به حساب می‌آید. در واقع نوعی اقتدار و تسلط فوق العاده تکوینی است. از نظر شیعه یک انسان کامل که بر جهان و انسان نفوذ غیبی دارد و ناظر بر ارواح و نفوس و قلوب است و دارای نوعی تسلط تکوینی است، همواره وجود دارد و به این اعتبار نام او حجت است.

قدرت انسان کامل و ولاء تصرف او بر جهان هستی در عرض قدرت باری تعالی نیست و هیچگاه شبهه شرک را به وجود نمی‌آورد؛ زیرا در اعتقادات شیعه قدرت انسان کامل در طول قدرت حق تعالی قرار دارد و بی اذن و اراده او هیچگاه به چنین مقامی نخواهد رسید.

## منابع

قرآن کریم.

1. ابن عربی، محیی الدین، 1994م، الفتوحات المکیه، تحقیق عثمان الیحیی، بیروت، ج. 14.
  2. همان نویسنده، 1367، تجلیات الاهی، بی جا، تحقیق عثمان اسماعیل یحیی، تهران.
  3. ابن علی، محمد (تومذی) 1965م، ختم الاولیاء به اهتمام عثمان اسماعیل یحیی، بیروت، المطبعه الکاتولیکیه.
  4. ابن محمد، حسین (الراغب) الاصفهانی، 1412ه ق، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان داوودی، دمشق دارالقلم.
  5. الهی قمشه ای، مهدی، 1363، حکمت الهی، تهران، انتشارات اسلامی، ج. 2.
  6. آشتیانی، جلال الدین، 1370، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
  7. الراغب الاصفهانی، ابن محمد، حسین، 1374، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، ج. 2.
  8. بابازاده، علی اکبر، 1373، تجلیات ولایت، قم، قدس.
  9. جوادی آملی، عبدالله، 1379، ولایت فقیه ولایت، فقاها و عدالت، قم، مرکز نشر اسراء.
  10. همتی، همایون، 1363، ولایتتکوینی، تهران امیرکبیر.
  11. سجادی، جعفر، 1375، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، کتابخانه طهوری.
  12. سعیدی، گل بابا، 1383، فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی، تهران، شفیعی.
  13. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، نشر بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی، ج. 6.
  14. همان نویسنده، 1381، رساله الولایه، ترجمه و شرح صادق حسن زاده، قم، بخشایش.
  15. قمشه ای، محمدرضا، 1376، تعلیقات محمدرضا قمشه ای بر فصوص الحکم، تصحیح جلال الدین آشتیانی، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.
  16. مطهری، مرتضی، 1373، انسان کامل، تهران، صدرا.
  17. -----، 1368، مجموعه آثار، ج. 3، تهران، صدرا.
  18. -----، 1368، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ج. 3.
  19. -----، 1369، ولاءها و ولایتها، قم، صدرا.
  20. دشتی، محمد، 1367، ترجمه نهج البلاغه، قم، نشر امام علی.
  21. امام موسوی خمینی، روح الله، 1360، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ترجمه احمد فهری، تهران، پیام آزادی.
- \* لوح فشرده نمایه مجلس شورای اسلامی. حسین علایی، محمدناصر، مقاله: امام هادی (ع).